

درباره‌ی تاریخچه‌ی بنای شهر گندی شاپور

در کتاب «تاریخ پزشکی در ایران» اثر الگود^۱ آمده است: «در دوران پیش‌آریایی، در محل گندی شاپور، شهری به نام گنتا شاپیر تا^۲ به معنای «باغ زیبا» وجود داشته است. این نکته مسلم است که پیش از بنای واقعی شهر، توسط شاپور اول، این شهر زیستگاه اقوامی بود که نام بیت لاپات^۳ بر خود داشت. این شهر سوریایی در آغاز دوران ساسانیان مقر اسقفان مسیحی بود (پیش از ۲۲۴ میلادی).^۴»

تاریخ واقعی شهر اما با دوران سلطنت شاپور اول که از ۲۴۱ تا ۲۷۲ میلادی حکومت کرد، آغاز می‌شود.^۵

شاپور در سال ۲۴۲ میلادی تاجگذاری کرد. در این روز مانی که ۲۴ سال بیشتر نداشت، برای بار نخست به دربار او راه یافت. شاپور اول در سال ۲۶۰ میلادی شهر انطاکیه را برای بار دوم تسخیر کرد. و والرین^۵ که از ۲۵۳ میلادی امپراتور روم بود، به دست وی اسیر و به همراه سایر اسرا و کشیش‌های مسیحی به بیت لاپات انتقال داده شد.

برای اسکان اسرا، شهر قدیمی گسترش داده شد. نقشه‌ی شهر باید به گونه‌ای دیگر تغییر می‌یافت.

طبری^۶ و حمزه‌ی اصفهانی^۷ به اتفاق گزارش داده‌اند که «طول هر هشت گذرگاه با

1. Elgood Cyril, A medical history of persia on the eastern califate, 1951, s. 47.

2. Genta Shapirta

3. Bēth Lāpāt

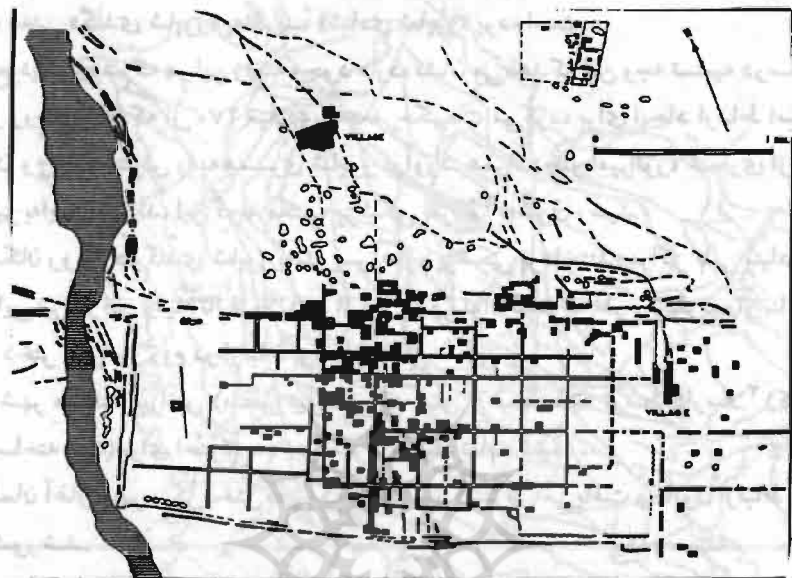
4. Schau Eduard, Die Chronik von Arbela. Abh. d. preuß. Akad. d. Wiss. phil. hist. kl. 1915, Nr. 6, S. 61.

5. Valerian

۶ فقیه و دانشمند ایرانی، محمدبن جریر طبری (۲۲۶ - ۳۱۰ ه. ق.) کتاب‌های او از ذخایر ادب فارسی هستند که هر دو به عربی نوشته شده است. یکی تاریخ بلعمی که به ترجمه‌ی تاریخ طبری معروف است و ابوالفضل محمد بلعمی آن را به فارسی برگردانده است و دیگر تفسیر طبری معروف به تفسیر کبیر که در دوره‌ی سامانی به وسیله‌ی گروهی از فقیهان قرآن را از عربی به فارسی ترجمه کردند. م.

۷ حمزه‌ی اصفهانی، ابو عبدالله بن حسن (و. حدود ۲۷۰ - ف. حوالی ۳۵۰ - ۳۶۰ ه. ق.). وی مولف کتاب سنی

چهارراه‌هایش به شکل صفحه‌ی شطرنج یکدیگر را قطع می‌کردند.^۱ (تصویر شماره‌ی یک) در خزانه‌داری شاهنشاهی ساسانی در گندی شاپور که از دوران شاپور سوم تا اردشیر سوم (۶۳۰-۳۸۳ میلادی) سکه‌هایی از طلا، نقره و مس ضرب می‌شد، نشانه‌ی اختصاری «VH» تا پایان دوران ساسانی روی سکه‌ها نقر شده است.



تصویر شماره‌ی یک (نقشه‌ی شهر گندی شاپور)

این دو حرف توسط گوبل^۲ به نام «وه اندیو شاپور» نسبت داده شده است و از سده‌ی هشتم میلادی از نظر ریشه‌شناسی با گندی شاپور یکی پنداشته می‌شود. در حالی که امروز این نظر مورد تردید است. معنای «وه اندیو» یعنی «بهتر از اظاکیه». اما آیا انتساب «VH» به بیت لاپات درست است؟ با وجود این هنوز نمی‌توان گفت که برای گندی شاپور معنای قانع‌کننده‌ای یافت شده است.

→ ملوک الارض و الانبیا، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب الامثال است که همه‌ی آن‌ها در دست است. (فرهنگ معین، جلد ۵، ص ۴۶۷).

1. Altheim Franz / Stiehl Ruth, Ein asiatischer StaaA, Bd. 1, 1954, s. 13.
2. Göbel Robert, in: Franz Altheim / Ruth Stiehl, I. C. S. 93.

از آن جایی که نام «گندی شاپور»، نام رسمی نبوده، هومل^۱ کوشیده است برای روشن شدن معنا از زبان سنسکریت یاری بگیرد. در زبان سنسکریت «کانتی»^۲ به معنی «زیبایی»، «جذابیت» و «فریبندگی» است که در نام پاره‌ای از شهرهای هند نیز آمده است. افزون بر این هومل به موارد بسیار مهم دیگری نیز اشاره کرده است: «مانی و همزمانان وی»، «واژه‌ی سنسکریت «کانتی» را به احتمالی در زبان‌های ایرانی میانه «گندی» تلفظ می‌کرده‌اند. اگر این نظر را بپذیریم، در آن صورت معنی «گندی شاپور» به تقریب «شادی شاپور» بوده است.

منابع دیگری هم که در این زمینه وجود دارد، نشان می‌دهد که این وجه تسمیه درست است. امپراتور روم اورلثان که از ۲۷۰ میلادی به بعد حکومت می‌کرد، برای ایجاد ارتباط استوارتری بین ایران و روم دخترش را به همسری شاپور درآورد. همراه دختر امپراتور، شماری از پزشکان رومی نیز به ایران آمدند، این گونه مکتب پزشکی بقراط^۳ به شرق رسید.

پزشکان رومی در گندی شاپور به تدریس علوم پزشکی پرداختند، مراکز طبی بنیاد نهادند و کتاب‌هایی نیز در این زمینه تالیف کردند. از این رو می‌توان گفت که طرح شطرنج‌وار بنای شهر با وصلت دختر امپراتور روم در ارتباط بوده است.

این شهر همانند بیزانس (منظور بیزانسی که پیش از قسطنطنیه توسط کارسلا^۴ (کاراکالا) دوباره ساخته شد) برای احترام به دختر امپراتور بنیاد نهاده شد.

از همان آغاز شهر مرکز بخش‌هایی که از هر سو گسترش می‌یافت و کانون ارتباط با نواحی دیگر کشور شد.

محصولات منطقه‌ی خوزستان از زمان شاپور اول به این سوی به وسیله‌ی تجهیزات آبیاری وسیع بسیار افزایش یافته بود (نگاه کنید به نمودار شماره‌ی ۲)

به هر تقدیر، همان گونه که هومل^۵ از مسعودی^۶ نقل کرده است. گندی شاپور تا سال ۳۰۹ میلادی یعنی از زمان شاپور اول تا هرمز دوم مفر شاهان بوده و پیرامونش در زمان‌های یاد شده بسیار حاصلخیز و آبادان بوده است.

این که از آغاز دوران ساسانیان بیت لاپات مفر اسقفان مسیحی بوده، نشانگر آن است که در مجمعی که به سال ۴۱۰ میلادی در سلوکیه^۷ برگزار شد، گندی شاپور به عنوان مفر اسقف اعظم

1. Hummel Karl, I. C. S. 49

2. Kanti

۳. بقراط (Hippokrates)، پزشک مشهور یونانی که در سده‌ی چهارم پیش از میلاد می‌زیست.

4. Caracalla

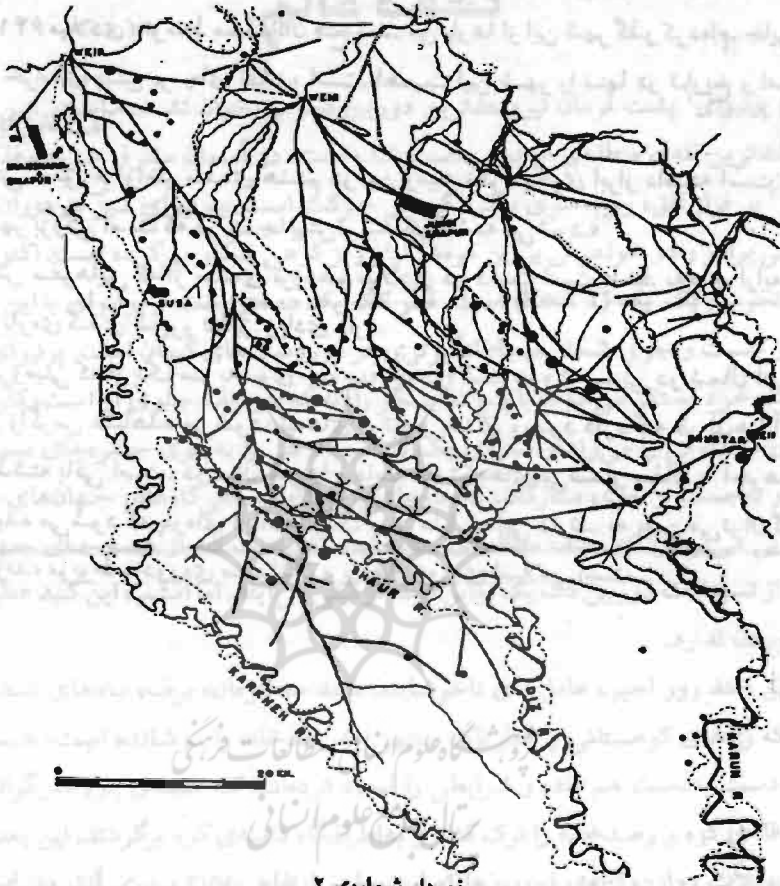
5. Hummel Karl, I. C. S. 2.

۶. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌الحسین مسعودی مورخ بزرگ سده چهارم هجری قمری. از کتاب‌های مهم او مروج الذهب و معادن الجواهر است. تحقیقات جغرافیایی او بسیار با ارزش است. م.

۷. شهر سلوکیه در حدود سال ۳۰۰ پیش از میلاد (در کنار دجله و در مقابل تیسفون به نام سلوکوس بنا شد).

اعلام شد. و به دلیل این که مقر مسیحیان کاتولیک یعنی بیت لاپات همیشه نخستین شهر مهم بعد از پایتخت بود، از نظر کثرت جمعیت و گستردگی دومین شهر مهم کشور به شمار می آمده است.

هنوز به طور دقیق روشن نیست که گندی شاپور تا چه زمانی به عنوان شهری آبادان وجود داشته است. در سال ۹۷۶ میلادی ابن حوقل گزارش می دهد که در روزگار وی شهر



نمودار شماری ۲

بازسازی تجهیزات آبیاری منطقه‌ی خوزستان در زمان ساسانیان برگرفته از منبع:

Robert M. Adams, "Science" 1962

۱. ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل بغدادی که سده‌ی چهارم هجری قمری می‌زیست، سال‌های درازی را در دوره‌ی ابوصالح منصورین نوح سامانی در ایران سیاحت و تحقیق کرده است. اطلاعات مفیدی درباره‌ی جغرافیای سرزمین‌های اسلامی از غرب تا شرق جمع کرده، همراه نقشه‌ها و توصیفات فراوانی از آداب و رسوم و ادیان و وضع صنعت و زراعت نواحی مختلف و آن را در کتابی به نام المسالك و الممالك تالیف کرده است.

گندی شاپور آبادان و پروتق و از وفور نعمت زیادی برخوردار بوده است. پیرامون شهر نخلستان‌ها و چمن‌زارها و گندمزارهای فراوانی وجود داشته است. تا به آن جا که یعقوب لیث صفار (درگذشت ۸۷۸ میلادی) گندی شاپور را به سبب آبادانش به عنوان مقر خویش برگزید. بنابراین گزارشی که یاقوت حموی^۱ (۱۲۲۸ - ۱۱۷۹ م.) در کتاب جغرافیای خود آورده است، در خور تامل است: «گندی شاپور، شهر وسیع و با عظمتی بود که در سال ۱۹ هجری قمری (۶۴۱ میلادی) توسط مسلمانان فتح شد. من بارها از این شهر گذر کرده‌ام. جایی که تنها ویرانه و خرابه‌ای بیش بر جای نمانده است. اهمیت این شهر را تنها در تاریخ و اسطوره‌ها می‌توان باز یافت.»^۲

قزوینی^۳، مورخ اواخر سده‌ی هشتم در این زمینه نظر دیگری ابراز داشته است: «گندی شاپور شهر بزرگی است که در آن جایش تریشکر کاشته می‌شود.»^۴

گزارش سفرهایی که از سده‌ی نوزدهم میلادی در دست است با نظریه‌های ارایه شده‌ی هومل درباره‌ی گندی شاپور تطابق زیادی دارد.

در سرزمینی که از یک سو به سوی جنوب، خود را گسترده و از سوی در شمال آن کوه‌های زنجیروار زاگرس مشاهده می‌شود، تپه‌های کوتاه و بلندی وجود دارد که در آن‌ها آثاری از بناهای گذشته باقی است. در میان ش‌ها و ماسه‌ها، تکه‌های بی‌شمار سفال یا آجرهای پخته به وفور دیده می‌شود که پاره‌ای از آن‌ها رنگ سبز مایل به آبی دارند. به یقین می‌توان گفت این بقایای ارزنده مربوط به دوره‌ی ساسانیان و یا آغاز دوره‌ی اسلامی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز تخصصي مطالعات باستانشناسي
مركز تخصصي باستانشناسي

۱. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله باقوت‌بن عبدالله حموی بغدادی از ادبای اوایل سده‌ی هفتم هجری قمری است. اثر معروف او معجم البلدان، کتابی است در جغرافیا و ذکر شهرها و مکان‌های مختلف. نگاه کنید به ماخذ، سفرهای یاقوت:

2. Wüstenfeld F. Jaruts Reise. Zeitschrift der deutschen Morgenländischen Gesellochaft XVIII (1863/4), S. 425.

۳. قزوینی. حمدالله مستوفی قزوینی، در علوم جغرافیا و شرح رامها و شهرهای ایران و عراق و آسیای صغیر کتاب معروفی نوشته است به نام نزهة القلوب. نگاه کنید به ماخذ.

4. Nuzhat - ul - aulub, Zit. n.c. Elgood, I.C. S. 49.